

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

به نام خدا

عنوان تحقیق:

تبیین ابعاد توسعه در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی

زیر نظر استاد ارجمند:

جناب آقای دکتر رزمی

گرد آورنده:

الهی سلیمانی

«

»

رشته: اقتصاد-ورودی ۸۳

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

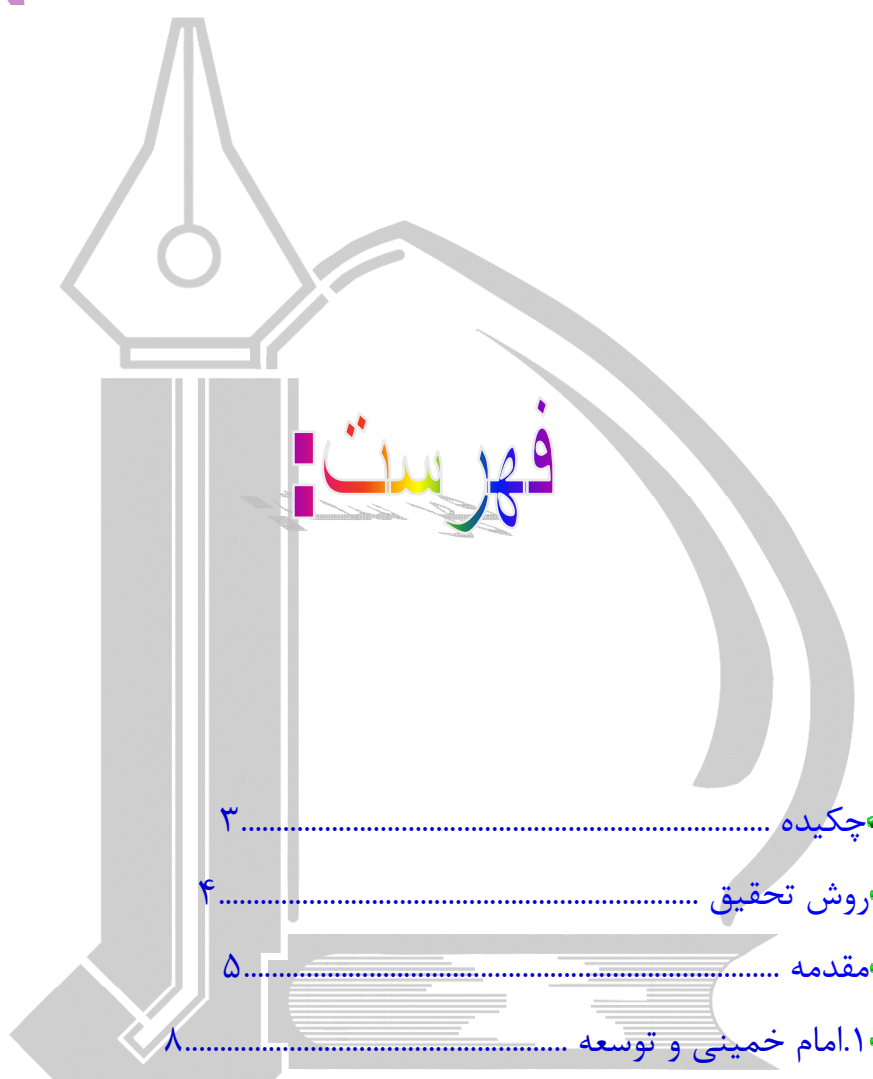
www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com



چکیده ۳

روش تحقیق ۴

مقدمه ۵

۱. امام خمینی و توسعه ۸

۱-۱. اهداف توسعه از دیدگاه امام(ره) ۱۱

۱-۱-۱. امام، توسعه و انسان ۱۱

۱-۱-۲. امام، توسعه و دین (توسعه معنوی) ۱۴

۱-۱-۳. توسعه فرهنگی ۱۶

۱-۱-۳-۱. تعلیم و تربیت اسلامی ۱۶

۱-۱-۳-۲. استقلال فرهنگی ۱۷

۱-۱-۳-۳. علم، تخصص، خلاقیت و فن‌آوری ۱۸

۱-۱-۴. توسعه سیاسی ۲۱

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

۱-۴-۱. استقرار حکومت اسلامی ۲۳

۱-۴-۲. برقراری نظم ۲۴

۱-۴-۳. ایجاد امنیت ۲۵

۱-۴-۴. حاکمیت قانون ۲۶

۱-۴-۵. نظارت و مشارکت مردم ۲۷

۱-۴-۶. استقلال ملی و همه جانبه ۲۸

۱-۴-۷. وحدت نیروهای درون نظام و

اتحاد امت اسلامی (تشکیل امت واحده اسلامی) ۳۰

۱-۴-۸. اخوت کارگزاران و مردم ۳۲

۱-۴-۹. آزادی ۳۳

۱-۵. توسعه اقتصادی ۳۴

۲. نتیجه ۴۲

۳. فهرست ۴۳

« دانشگاه فرزدوی مشهد »

چکیده

جایگاه توسعه در اندیشه امام خمینی (ره) فراتر از تعاریف نظری توسعه می باشد که غالباً معطوف به مفاهیم اقتصادی و بعضاً سیاسی است. نگرش ایشان به توسعه، متأثر از دیدگاه مذهبی او می باشد که نشأت یافته از جهان بینی دینی است. در این دیدگاه با آنکه توسعه متوازن در همه ابعاد جامعه پذیرفته شده اما این فرآیند باید در مجموع به استحکام پایه های دین و تقویت مبانی اسلام و تربیت و هدایت انسان منتهی گردد.

در اندیشه امام، توسعه در ابعاد مختلف خود می بایستی اهدافی بلند و متعالی را برآورده سازد که آن اهداف از درون اندیشه دینی ناشی می شوند. هدف عمده از این مقاله بررسی اهداف توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) است که این «
اهداف در ابعاد توسعه و انسان، توسعه معنوی، توسعه سیاسی، توسعه علمی و فرهنگی و توسعه اقتصادی با بهره گیری از سخنان ایشان تبیین شده است.

روش تحقیق

روشی که در این بررسی به کار گرفته شده، روش "تحلیل متن" یا تحلیل درونی متن است که عملی فکری بوده و بر پایه‌های عقلانی استوار می‌باشد. یعنی برای تفسیر، توضیح و بازنمایی موضوع از عقل و روش ذهنی استفاده می‌شود. به منظور نیل به عینیت بیشتر در این بررسی، تکیه اصلی بر سخنان امام خمینی بوده که در متون مختلفی به ویژه صحیفه نور، ولایت فقیه و ... آمده است. بنابراین روش کار، پژوهش کتابخانه‌ای بوده که طی آن برای جمع‌آوری اطلاعات به منابع مربوطه مراجعه شده و مطالب مورد نیاز از آنها استخراج و مورد استفاده و تحلیل قرار گرفته است.

«

مقدمه

مباحث مربوط به توسعه از جمله مباحثی است که سالها توجه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول داشته است. دانشمندان و نظریه‌پردازان علوم اقتصادی - اجتماعی با هدف حل مشکلات و مسایل کشورهای جهان سوم یا توسعه نیافته به ارائه دیدگاهها و نظریاتی پرداختند که از عمده‌ترین آنها می‌توان به نظریه رشد، نظریه مارکسیستی، نظریه وابستگی، نظریه روانشناختی توسعه، دیدگاه نوسازی، و نظریه‌های ملهم از عوامل سیاسی و فرهنگی و غیره یاد کرد.

مفهوم توسعه در علوم اجتماعی و اقتصادی دربردارنده معانی و مفاهیم گوناگونی است. وجود دیدگاههای نظری گوناگون در این تنوع تعاریف مؤثر بوده است. زیرا اولاً هر یک از این دیدگاهها و تعاریف، با ارائه تعبیری خاص و با نگاه از منظری ویژه، بیانگر بخشی از واقعیت هستند و نه همه آن. ثانیاً اغلب دیدگاهها و نظریات توسعه، مستقیم و یا غیر مستقیم، از مقایسه جوامع جدید (توسعه یافته) و جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه شکل گرفته‌اند. «

نظریه رشد اقتصادی، با توجه به چگونگی و عوامل رشد اقتصادی در جوامع توسعه یافته، به ارائه طریق برای رشد اقتصادی کشورهای توسعه نیافته یا در حال

توسعه پرداخته‌اند. نظریه مارکسیستی چگونگی تحول جوامع توسعه یافته سرمایه‌داری از مراحل پیشین به مرحله سرمایه‌داری و سپس از آن مرحله به مرحله نوسیالیسم و کمونیسم را مد نظر قرار داده است. و توسعه در نظریه نوسازی به مرحله انتقال از جامعه سنتی به جامعه مدرن (صنعتی) اطلاق می‌شود. جامعه‌ای که این انتقال را به خوبی به انجام برساند، توسعه یافته است و جامعه‌ای که در جهت این روند انتقال باشد، جامعه در حال توسعه تلقی می‌شود. سایر دیدگاهها مانند دیدگاه وابستگی و دیدگاه نهادی، که برداشت جدیدی از توسعه را در دهه‌های هشتاد و نود بر اساس همان دیدگاه نوسازی ارائه می‌دهد، در انتقاد به دیدگاههای فوق، پدید آمده‌اند. با وجود پراکندگی و تنوع نظرات جدید، وجه مشترک اغلب این نظریات، توجه به نهادهای اجتماعی، اقتصادی کشورهای جهان سوم، چند بعدی دیدن توسعه و اهداف آن و اصلاح آموزه تقابل سنت و مدرنیسم در دیدگاه نوسازی است. بر این اساس، توسعه مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. با گسترش مفهوم توسعه به همه شوون اجتماعی، توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماع در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی "بهتر" است سوق می‌یابد.

برای نمونه "سیرس Seers" توسعه را به معنای دستیابی به ظرفیتهای

شخصیت انسانی می داند که در سه هدف متجلی می شود:

الف) تأمین نیازهای اساسی (رفاه فردی)،

ب) ایجاد اشتغال کامل،

ج) کاهش نابرابری.

در تعریف دیگری از توسعه، برای درک معنای درونی آن باید حداقل سه ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود علمی در نظر گرفته شود. این ارزشها عبارتند از: معاش زندگی، اعتماد به نفس، و آزادی حق انتخاب. در نظریه های جدید بر لزوم ملحوظ قرار دادن ویژگیهای خاص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر کشور در استفاده از راهبردهای توسعه تأکید شده است و توسعه "متناسب" یا توسعه "الگوی بومی" منطبق بر ویژگیهای هر کشور و جامعه مورد تبلیغ و تشویق واقع شده است. هدف عمده در این مقاله بررسی اهداف توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) است که جایگاه توسعه در اندیشه ایشان فراتر از این تعاریف نظری معطوف به مفاهیم اقتصادی می باشد.

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

۱. امام خمینی و توسعه

نگرش امام خمینی(ره) به توسعه متأثر از دیدگاه مذهبی ایشان می‌باشد که منبعت از جهان بینی دینی است. مواضع و دیدگاههای ایشان در قبال پدیده‌های اجتماعی به ویژه پدیده‌های جدید، تحت تأثیر مبانی کلی تری قرار دارد که مبانی نظری و عملی ایشان را تشکیل می‌دهد. از جمله ویژگیهای امام، شناخت و اعتقاد به اسلام به عنوان دینی جامع و جاودان و همیشگی که در هر عصر و زمان و متناسب با هر سطح از پیشرفت، امکان تمسک به آن و اجرای آن وجود دارد. علاوه بر این به حفظ و بقای استمرار «دیانت اسلام و به جدایی ناپذیر دانستن دین از سیاست و تأکید بر تشکیل حکومت

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

اسلامی به منظور تحقق بخشیدن به آیین اسلام در جامعه و ایجاد زمینه مناسب برای حفظ و استمرار آن معتقد و متعهد می‌باشد.

با این حال، اصل تغییر و تحول در جوامع در طول زمان را می‌پذیرد و اجتهاد پویا را با در نظر گرفتن نقش زمان و مکان و مصالح کشور و اسلام به کار می‌گیرد و بین ثبات احکام دینی از ثبات موضوعات و مصادیق تفکیک و تمیز قائل است.

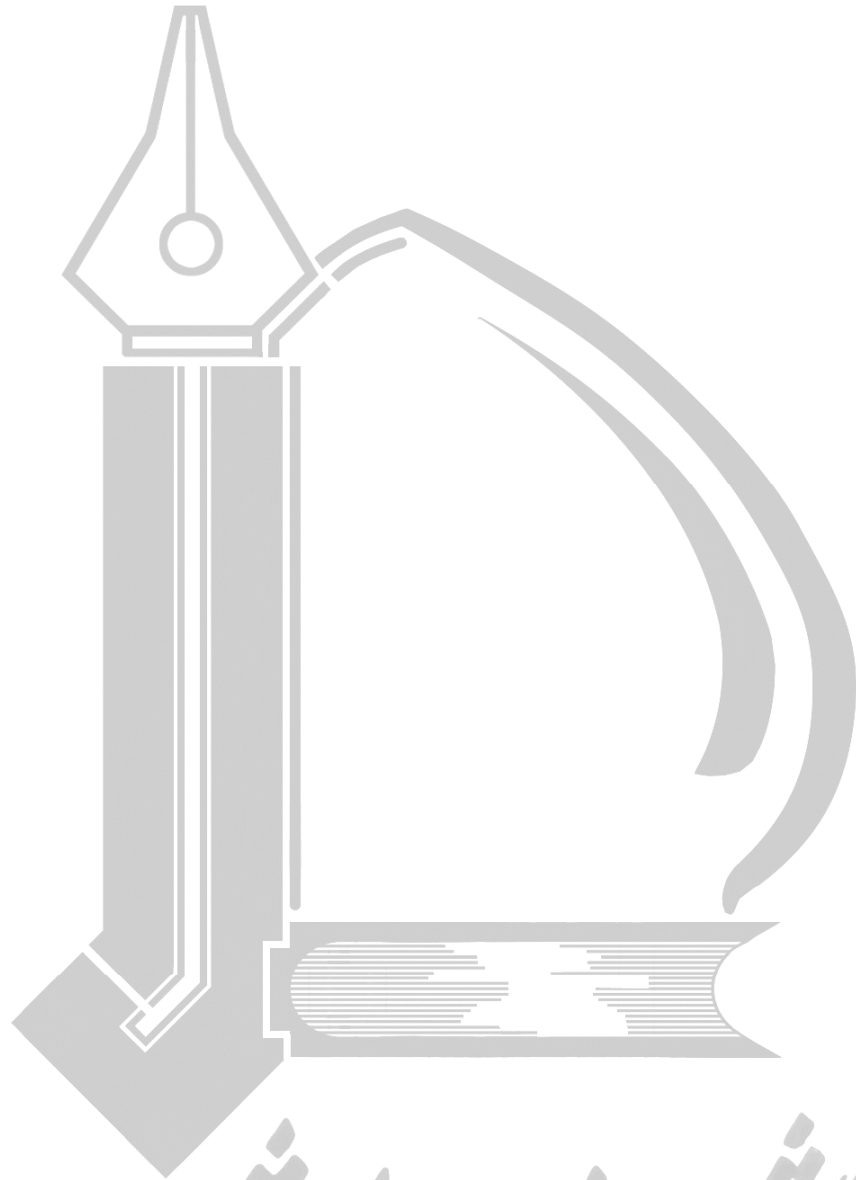
امام خمینی(ره) به عنوان برجسته‌ترین اسلام‌شناس و متفکر اسلامی معاصر، در کی عمیق و جامع الاطراف از اسلام دارند و اسلام را در ابعاد فردی و جمعی، عبادی و اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و به عنوان یک مکتب جامع می‌شناسند. نگاه ایشان به توسعه نیز مستثنی از این قاعده نیست. یعنی فرایند توسعه را در تمامی شؤون جامعه مؤثر و مفید می‌داند. در دیدگاه ایشان با آنکه توسعه متوازن و متناسب در همه ابعاد جامعه پذیرفته شده لیکن فرایند توسعه باید در مجموع به استحکام پایه‌های دین و تقویت مبانی اسلام و تربیت و هدایت انسان منتهی گردد.

نکته قابل ذکر دیگر این است که در مبانی نظری و معرفتی اندیشه امام(ره)، جامعه و مردم جایگاه ویژه‌ای دارند. مصلحت جامعه و مردم، همانند مبانی و اصول مکتب، از اصول عمده اندیشه ایشان را تشکیل می‌دهد. از این‌رو امام، توسعه را برای «
تعالی جامعه و بستر سعادت و رشد مردم ضروری می‌داند اما این توسعه را در همه ابعاد جامعه می‌پذیرد؛ یعنی توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و غیره.

این نکته را نیز باید در نظر داشت که امام خمینی یک عالم علم توسعه یا جامعه‌شناس توسعه نیست که کوشش نظری ایشان معطوف به تبیین پدیده‌های اجتماعی در چارچوب روشهای رایج این علم باشد، بلکه ایشان یک رهبر دینی - سیاسی و یک اندیشمند اجتماعی است که با نگاهی عام و کلی‌نگر از طریق استنتاج عقلانی به هدفهای عمده‌ای که انسان باید در حصول آنها حرکت نماید توجه نموده است. اگر توسعه به تحقق آن اهداف عالی کمک نماید و رضایت خداوند حاصل شود و مصلحت جامعه و مردم تأمین گردد، مقبول ایشان واقع خواهد شد. بنابراین نباید آن گونه که از یک عالم توسعه اقتصادی توقع است، انتظار داشت که امام نیز به عنوان یک عالم توسعه به مفهوم رایج آن، به مسایل توسعه پرداخته باشد.

بنابراین در اندیشه امام(ره) توسعه، چه توسعه سیاسی و اقتصادی و چه توسعه علمی و فرهنگی و غیره علاوه بر آنکه اصول، مبانی و ملزومات خاص خود را دارد، می‌بایست برآورنده اهدافی بلند و متعالی باشد که از بطن اندیشه دینی ناشی می‌شوند و در رأس همه، خداباوری و حاکمیت توحید در جامعه می‌باشد. توسعه در هدف غایی خود باید رضایت خداوند را برآورده سازد و گرنه اثر آن در همین حیات مادی مختصر می‌شود؛ اگر اثری بر آن مترتب باشد. اما اگر توسعه مادی به توسعه معنویت پیوند یابد و جامعه‌ای انسانی با مقاصد عالی ظهور یابد، این توسعه، پایدار و مبتنی بر هدف اصلی خود بوده است.

www.kandoo.cn.com



« دانشگاه فرزدوسی مشهد »

۱-۱. اهداف توسعه از دیدگاه امام(ره)

در تبیین دیدگاه امام در باره اهداف توسعه، می‌توان چند محور عمده را طرح نمود و در هر محور، شاخصهای برجسته را که جزو اهداف توسعه به شمار می‌روند بر اساس سخنان ایشان معین نمود.

۱-۱-۱. امام، توسعه و انسان

از دیدگاه امام خمینی، محور توسعه، "انسان" است و نگاه او به توسعه دیدگاهی انسان‌شناسانه و در قلمرو معرفت دینی است که هدف غایی توسعه را تربیت "انسان کامل" در جامعه می‌داند. انسانی که در همه ابعاد وجودی‌اش، کمال یافته است و توانایی ایجاد تحول و دگرگونی در جامعه را به سوی خیر و صلاح عمومی دارد. توسعه هم باید ناظر به بعد مادی انسان و هم به بعد معنوی او باشد؛ به عبارت دیگر به برآورده ساختن نیازهای دنیایی و حیات اخروی هر دو منجر شود. در دیدگاه امام در وجه ظاهر، دنیا و آخرت با یکدیگر به حساب می‌آید. نه دنیاگرایی کامل و نه زهد و آخرت‌گرایی هیچ کدام ممدوح نیستند. بلکه باید هر کدام در حد خود تأمین گردد.

اگرچه در افقی بالاتر و در وجه درونی عالم، امام حیات کمالی دیگری را مطرح می‌نماید که هدف عمده تحقق آن است و حرکت انسان باید نیل به آن حیات طیبه و معقول باشد. امام در رابطه با این هدفهای عالی‌تر از اهداف مادی می‌گوید:

"مقصد اسلام خانه نیست. مقصد بالاتر دارد و همه چیز در آن هست ... و توجه

به جهات معنوی بالاتر از توجه به جهات مادی است." <

و یا می‌فرماید:

"مکتبهای توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است و در عین حال که به مادیات و با مادیات سر و کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات حجاب آنها برای معنویات نباشد، مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند." <

امام بارها بر تحول درونی، تحول همه‌جانبه فکری و روحی انسانها، کمال و رشد معنوی انسان، خودسازی و خودشناسی تأکید نموده و اهداف مهم مکتب، تعالیم اسلام، انبیاء الهی و رهبران و مصلحان دینی را انسان‌سازی و تربیت انسان ذکر کرده است. از دیدگاه امام، همه تلاشها و کارکردها در حوزه‌های مختلف علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نهایتاً باید به ساخته شدن انسان، تربیت و هدایت او منجر شود. زیرا اگر انسان درست شد هم جامعه را به مسیر کمال و راههای درست سوق می‌دهد و هم مکتب را حفظ می‌نماید، در نتیجه زمینه مناسب برای زندگی و حیات جامعه انسانی

فراهم می‌گردد. ساخته شدن این انسان را بر دوش عالمان دینی و دانشگاهیان هر دو می‌گذارد. برای نمونه می‌فرماید:

"شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید، اگر انسان درست کردید مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد، مملکتان را نجات می‌دهد." <

"دانشگاه‌های علمی شما کوشش کند انسان درست کنند. همه دنبال این باشید، انسان. اگر انسانیت را، استثنا نکنید یک فردی درست بکنید دانشمند، یک طبیبی که بهتر از همه اطبای دنیاست. اگر این وجهه انسانی نداشته باشد همین طبیب مضر است، همین طبیب وقتی که می‌خواهد یک کسی را معالجه کند دنبال منافع است، نه دنبال معالجه ...">

"باید از حوزه‌های علمیه یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید و مرکز ساخت انسان باشد و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان ... ما انسان دانشگاهی می‌خواهیم، نه معلم و دانشجو. دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش. اگر انسان بیرون داد از خودش، انسان حاضر نمی‌شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر، انسان حاضر نمی‌شود که تحت ذلت برود و اسارت، آنها هم از انسان می‌ترسند." <

"کوشش انبیا و ایده بعثت در تمام قرن‌ها تربیت این موجود (انسان) است، این موجودی که عصاره همه مخلوقات است و با اصلاح او اصلاح می‌شود عالم و با فساد او به فساد کشیده می‌شود. کوشش انبیا از اول تا آخر این بوده است که این موجود را به صراط مستقیم دعوت کنند و راه ببرند، نه همان هدایت و گفتن تنها، بلکه راهنمایی و الگو بودن خودشان در اعمال و در افعال و در اقوال. برای اینکه این موجود را به آن کمالی که لایق است، برسانند." <

"... مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست، یک مکتب مادی، معنوی است. مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس، اسلام برای تهذیب انسان آمده است، برای انسان‌سازی آمده است. همه مکتبهای توحیدی برای انسان‌سازی آمده‌اند، ما مکلفیم انسان بسازیم." <

"... اسلام هم آمده است، این انسان را درستش کند و بسازد و همه بُعدهایش را نه یک بعد فقط، نه همان بعد روحانی تنها، که غفلت کند از این جهات طبیعت و نه فقط بعد طبیعت که اکتفا به این کند از او، این وسیله است برای این مقصد." <

«
دالساگاه مزدوسی
»

(توسعه ی معنوی)

از اهداف توسعه مورد پذیرش امام خمینی، حاکمیت مکتب در جامعه و تقویت بنیادهای دینی می باشد. توسعه نباید به اصول عالیه اسلام خلل وارد سازد و به ترویج بی دینی منجر گردد. از بیانات گوناگون امام به دست می آید که توسعه همه جانبه علاوه بر ترقی سطح زندگی عامه (بعد مادی جامعه)، باید به تجلی دینداری در جامعه، تقویت ایمان، گسترش معنویت و اخلاق اسلامی بینجامد. توسعه باید زمینه مناسب را برای حفظ اسلام و ترویج مکتب در جامعه، نشر معارف اسلامی، تحقق علمی احکام اسلام و رعایت حدود الهی فراهم نماید. اگر فرایند توسعه به بی دینی، متروک ماندن احکام و حدود اسلامی، مهجوریت معارف دینی و کنار گذاشته شدن مکتب منجر شود، این توسعه مورد پذیرش حضرت امام(ره) نخواهد بود و با برنامه ریزی چنین توسعه ای مخالفت خواهد نمود. ایشان اسلام را امانت الهی می دانند که همه ملت در حفظ آن مسؤول هستند: "تمامی ملت ... بی استثنا مسؤول هستیم در مقابل خدای تبارک و تعالی برای این امانت، این اسلام که امانت است و دست ماست." < >
در باره اهمیت مکتب می فرماید:

"مکتب بزرگترین چیزی است که از برای ما مطرح است، نباید راجع به مکتب

یک کلمه‌ای کسی بگوید، اشتباه می‌کند اگر می‌گویند مکتب چطور، تمام مقصد ما

مکتب‌ماست." <

"نظر ما، که ملت هم با آن موافق است، این است که ... یک جمهوری اسلامی ...

در ایران مستقر بشود و احکام اسلام آن طور که هست اجرا گردد. و همه مطالب ایران

و نظام آن بر طبق خواسته‌های اسلامی جریان پیدا کند." <

"مجرد اینکه ما ادعا بکنیم که جمهوری ما اسلامی است این ادعا پذیرفته نیست.

آن وقت جمهوری ما اسلامی می‌شود و به کمال خودش می‌رسد که خدای تبارک و

تعالی در این ملت و در این کشور حاکم باشد یعنی از آن نقطه اولی تا آن آخر

حکومت، حکومت الهی باشد، سردمداران، همه الهی باشند، کسانی که در رأس حکومت

هستند، کسانی که در رأس امور هستند، الهی باشند..." <

"همه یک مقصد دارید، همه می‌خواهید که اسلام تحقق پیدا کند." <

"آمال ما این است که احکام اسلام در همه جا، در همه قشرها، در همه

وزارتخانه‌ها، در همه مملکت هر جا که هست، در بازارها، در کشاورزی‌ها، در دور و

نزدیک یک مملکت، همه جا احکام اسلام جاری باشد.. (نباید در وزارتخانه‌ها یک)

چیزی که بر خلاف اسلام است، بر خلاف مصالح این مملکت است، خدای نخواست

عمل بشود." <

"جمهوری اسلامی یک لفظی نیست که محتوا نداشته باشد، یک لفظی است که

باید محتوا داشته باشد و محتوایش هم این است که تمام دستگاههای دولتی و تمامی

قشرهای کشور اسلامی بشود." <

"همه ما الان مکلفیم که این رژیمی که ادعا داریم که تحقق پیدا کرده، واقعیتش

تحقق پیدا کند، از حد لفظ به حد معنا بیاید ... مهمش این قدم است که محتوای یک

مملکتی اسلامی باشد، هر جایش برویم در مملکت اسلامی رفتیم ... وقتی مملکت ما

جمهوری اسلامی است که همه چیزش اسلامی باشد." <

"من امیدوارم که این راه را همه با هم طی بکنیم و آن حکومتی را که

اسلام می خواهد متحقق باشد." <

۱-۱-۳. توسعه ی فرهنگی

یکی از ابعاد توسعه، توسعه فرهنگی است. اهداف مهم توسعه فرهنگی از

دیدگاه امام باید به تحقق امور زیر بینجامد:

«

۱-۱-۳-۱. تعلیم و تربیت اسلامی

آموزش صرف در نظام تعلیم و تربیت مد نظر امام نیست بلکه وجه تربیتی، معنوی، جهت‌دار بودن، متعهد بودن، مستقل بودن و دینی بودن مجموعه نظام آموزشی و تربیتی مورد توجه و تأکید ایشان است.

"یکی از مسایل بسیار مهم در تمام دستگاهها خصوصاً دانشگاه‌ها و دبیرستانها، تغییرات بنیادی در برنامه‌ها و خصوصاً برنامه‌های تحصیلی و روش آموزش و پرورش است که دستگاه فرهنگ ما از غربزدگی و از آموزشهای استعمار نجات یابد." <

"کوشش کنید که در این آموزشی که به مردم می‌دهید، جهت‌دار باشد ... برای خدمت به خلق و برای خدمت به خدا و برای خدمت به اسلام." <

"تربیت کنید، مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، علم تنها مضر است." <
"تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است. صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزشهای بی‌پرورش واقع می‌شود، علم را تحصیل می‌کند لکن تقوا ندارند." <

"باید آموزش و پرورش مردم توأم باشد، پرورش، پرورش انسانی، پرورشی که به درد انسان برسد. آموزشی که برای انسان باشد، جهت‌دار باشد، اسم رب در آن باشد، توجه به خدا باشد." <

یکی از هدفهای مهم توسعه در بعد فرهنگی، دور شدن از فرهنگ بیگانه، غربی و روآوری به فرهنگ اسلامی است. عدم وابستگی فرهنگی و تأکید بر استقلال در سخنان امام جزء محورهای مهم توسعه فرهنگی به شمار آمده است:

"ما می‌خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود ملت، در خدمت خود ایران ... ما با دانشگاهی که ما را وابسته به خارج بکند، هر خارجی می‌خواهد باشد، ما با آن دانشگاه، از اساس مخالفیم، ما دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگی‌ها بیرون بیاورد ما را مستقل کند." < "اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا بکند، نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاهها باید طرح بشود. مادامی که ما پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچ یک از این گرفتاری‌هایی که شما دیدید، نمی‌توانیم از زیرش فرار کنیم. رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوانهای ما از این وابستگی به غرب ...">

"هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش خودش را بفهمد و تا زمانی که ملتها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خودشان نشانده‌اند، نمی‌توانند استقلال پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ و حقوق را نادیده گرفته و به دنبال غرب است. چنان غرب در نظریه قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنیم" < "غیر از غرب، دیگر هیچ چیز نیست. این وابستگی فکری، عقلی و مغزی غربی منشأ

اکثر بدبختی‌های ملتها و ملت ما نیز هست." <

۳-۳-۱-۱. علم، تخصص، خلاقیت و فن آوری

علم و دانش، تخصص و فن آوری حتی با فراگیری از فن آوری غرب مورد تشویق و تأکید امام است و برنامه توسعه فرهنگی کشور باید بدان نایل شود. علم هم در سطح آموزش عالی و هم تشویق به سوادآموزی و فراگیری همگانی علم برای زدودن جهل و بی سوادی از پیکره جامعه. اما این علم و دانش نیز مشروط است به آنکه جهت دار و هدف دار باشد و منجر به حاکمیت فرهنگ فاسد غربی نگردد. علمی که تعهد و اخلاق و سلامت انسان را تضمین نماید، نه آنکه مایه انحطاط و موجب تباهی او گردد.

"دانشگاه و حوزه های علمیه و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات." <

"دانشگاه باید علم و تخصص را به آن مرتبه عالی برساند و تعهد و اخلاق و اسلامیت را هم به آن مرتبه عالی. باید مذهب بشود هم دانشگاه و هم حوزه های علمیه." <

"این دو مرکز (دانشگاه و حوزه) که مرکز علم است، هم می‌تواند مرکز تمام گرفتاریهای بشر باشد و هم می‌تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند." <

"با علم است که انسان می‌تواند تأمین سعادت دنیا و آخرت را بکند، با آموزش است که انسان می‌تواند تربیت کند جوانها را به طوری که مصالح دنیا و آخرت خودشان را خودشان حفظ کنند. اگر کشور ما علم را بیاموزد، ادب را بیاموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بیاموزد، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او حکومت کند. تمام گرفتاری‌هایی که ما در این طول مدت تاریخ داشتیم بهره‌برداری از جهالت مردم بوده است. علم و سواد است با آن جهتی که باید به او توجه کرد که می‌تواند ملت ما را از همه گرفتاریها نجات بدهد." <

"باید چه طبقه جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند و اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را به دست می‌گیرند ... و بهترین و مؤثرترین راه مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است." <

در تشویق و دعوت به فراگیری علم و تخصص می فرماید:

"باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلف، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشد که نیازمندی‌های میهن به دست خود آنها برآورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود. مع‌الاسف در دورانهای گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند ... شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید." <

"ما با تخصص مخالف نیستیم، با علم مخالف نیستیم، با نوکری اجانب مخالفیم، ما می‌گوییم که تخصصی که ما را به دامن آمریکا بکشد یا انگلستان، یا به دامن شوروی بکشد، یا چین، این تخصص، تخصص مهلک است، نه تخصص سازنده. ما می‌خواهیم متخصصین در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان باشند ... ما می‌خواهیم این علم و صنعت و همه چیزها در خدمت ملت باشد نه در خدمت اجانب." <

"ما یک همچو تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوانهایی که در رأس امور کشور هستند، جوری بار بیاورد که اینها مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد ... " <

"اسلام همه ترقیات و همه صنعتها را قبول دارد، با تباهی‌ها مخالف است، با آن

چیزهایی که تباه می‌کند جوانهای ما را، مملکت ما را، با آنها مخالف است اما با همه

ترقیات، همه تمدنها موافق است." <

"دانشگاههای غربی به هر مرتبه‌ای هم که برسند، طبیعت را ادراک می‌کنند،

طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت، اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام

علوم طبیعی به هر مرتبه‌ای که برسند باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام

طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت و همه را او به وحدت و توحید می‌برد ... آن

معنایی که از علوم دانشگاهها مامی‌خواهیم و آن معنایی که از علوم مدارس قدیمه ما

می‌خواهیم ... آنی که اسلام می‌خواهد تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیر

طبیعی باشد آنکه از آن اسلام می‌خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد این است که تمام

اینها مهار بشود به علوم الهی و برگشتش به توحید بکند ... آن علاوه‌ای که در اسلام

است، آن جنبه معنویت و روحانیت و الوهیت مسأله است." <

۴-۱-۱. توسعه سیاسی

امام خمینی (ره) دموکراسی و توسعه سیاسی را به مفهومی که به مردم، نقش فعال و

مؤثر در تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی، داده می‌شود پذیرفته و طی به کارگیری

مکانیزمهای جدید چون انتخابات، مجلس قانون گذاری، انتخاب رییس قوه مجریه، استقلال قوه قضائیه و ... نقش مشارکت، نظارت و دخالت مردم را نهادی می نماید و در بیان و سخنان خویش نیز همواره بر این امور تأکید دارد. ایشان بر آزادی که پیش فرض مهم دموکراسی و زمینه ساز استقرار و تداوم مردمی بودن و مردمی ماندن حکومت است نیز تأکید دارد و ضمن پذیرش شاخصهای اشاعه آزادی در جامعه، برای حفظ مصالح جامعه، مصالح اسلام و بقای دیانت و سلامت جامعه، رفتارهایی مانند فساد، فحشاء، دروغ پردازی، تهمت زدن، هرج و مرج، توطئه، توهین به مقدسات، ایجاد اخلال در نظم و امنیت ... را نمی پذیرد. همچنین برابری نیز مورد تعلق خاطر و قبول ایشان است.

امام به عنوان یک متفکر اسلامی، اسلام را موافق با دموکراسی می داند و در نتیجه خود نیز آن را می پذیرد. ایشان ضمن موافق نشان دادن اسلام با دموکراسی، دموکراسی را نیز به وضوح از حکومت استبدادی متمایز می سازد:

"می گویند که ما می خواهیم که یک مملکتی باشد دموکراسی باشد. شما حساب بکنید که ببینید که اسلام (ما حساب صدر اسلام را می خواهیم بکنیم که متن اسلام است. خود اسلام و متن اسلام است). ببینیم که آیا این حکومت اسلام و این رژیم اسلام، یک رژیم دموکراسی بوده است یا یک رژیم قلدری و استبدادی بود." < در سخنی دیگر ضمن مقایسه اسلام و دموکراسی نتیجه می گیرند:

"رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه‌ای است که شبیه آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست مشابه باشد، اما آن دموکراسی‌ای که ما می‌خواهیم به وجود آوریم در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کاملتر از دموکراسی غرب است." <

توسعه سیاسی مورد نظر امام خمینی(ره) باید برآورنده اهداف زیر باشد:

۱-۴-۱. استقرار حکومت اسلامی

از هدفهای مهم توسعه سیاسی در نظرگاه امام خمینی استقرار حکومت اسلامی است، هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ محتوا که وجه محتوایی آن را مهمتر و تحقق آن را مشکل‌تر می‌داند. کاری است که همت جمعی را می‌طلبد. هم اسلام‌شناسان و متخصصان اسلامی، هم کارگزاران نظام اسلامی و هم آحاد مردم باید در جهت تحقق محتوای حکومت اسلامی بکوشند تا آن را محقق سازند. تأکید امام بر ایجاد حکومت اسلامی علاوه بر اینکه بستر و زمینه‌ای است برای اجرای احکام اسلام و تحقق عینی حاکمیت توحید در جامعه، و برقراری عدالت در میان مردم، الگو شدن این حکومت

برای ملت‌های تحت ستم دیگر می‌باشد، لذا هدف غایی توسعه سیاسی را حاکمیت حکومت اسلامی در سراسر جهان عنوان می‌کند:

"ما آنچه که می‌خواهیم این است که اسلام با تمام محتوایی که دارد که آن محتوا یک میوه شیرینی است که هر کس آن را بچشد به لذات ابدی می‌رسد؛ می‌خواهیم که در تمام قشرها و در تمام ... ممالک اسلامی این حقیقت، این نور، این اسلام عزیز با محتوای بسیار عزیز پیاده شود، بلکه آرزو این است که از سرحدات ممالک اسلامی به جاهای دیگر ان شاء الله کشانده شود و امید است که بیرق پرافتخار اسلام در نقاط ارض به اهتزاز درآید." <

"این معنایی را که ما در فکرش هستیم و با همت همه قشرهای ملت امیدواریم که تحقق پیدا بکند، آن این است که اسلام در ایران حکومت کند. حکومت، حکومت خدا باشد و از آن کارهایی که طاغوت می‌کرد و عمال طاغوت می‌کردند و گرفتاری‌هایی که برای ملت ما از دست آنها پیدا شد ان شاء الله با همت همه جوانهای ملت ما آنها تمام بشود و همه جا بیرق اسلام باشد ... اگر چنانچه اسلام به معنای خودش ... تحقق پیدا بکند، همه مردم در زیر پرچم اسلام در رفاه و سعادت هستند، نه همان سعادت این عالم، سعادت این عالم و سعادت آن عالم." < "همه ما با هم قیام کردیم که اسلام را در اینجا زنده کنیم و ان شاء الله به سایر جاها هم صادر کنیم و ما همه برادر هم هستیم، دوست با هم هستیم." <

"ما در بین راه هستیم و باید راه طولانی را طی کنیم و آن راه طولانی این است که بیرق اسلام را در همه قطبهای زمین به اهتزاز در آوریم." <

"من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم اسلام را و پرچم جمهوری اسلامی را در همه جای دنیا برپا کنیم و اسلام که حق همه است از آن تبعیت کنند." <

۱-۱-۴-۲. برقراری نظم

فرآیند توسعه در کشور از دیدگاه امام باید نظم و انتظام در امور و اداره کشور را پدید آورد و از هرج و مرج و بی‌نظمی جلوگیری کند. نظم در امور و عدم تداخل مسؤولیتها و تصمیم‌گیری‌ها و مشخص بودن حوزه عمل مدیریتها موجب بهبودی و کارایی نظام می‌گردد و به ترقی و رشد جامعه کمک می‌نماید.

"حفظ نظم از واجبات الهی است. همه جا نظم لازم دارد." <

"همه جامعه باید نظم داشته باشد ... همه جامعه نظم لازم دارد. اگر نظم از کار برداشته بشود جامعه از بین می‌رود." <

۱-۱-۴-۳. ایجاد امنیت

یکی از ضروری ترین مسایل برای توسعه کشور، امنیت داخلی است. زیرا فقدان امنیت و بروز آشوب و شورش و هرج و مرج، اساس جامعه را متزلزل می کند و فرصتهای لازم برای سرمایه گذاری ها، عمران و اصلاح جامعه را ضایع می سازد. بنابراین از اهداف توسعه باید برقراری امنیت و ثبات و حفظ آرامش باشد و اگر این فرآیند به تزلزل امنیتی منجر گردد نگرانی تنها اساس جامعه، بلکه تحقق خود توسعه نیز به خطر می افتد.

"آنچه که امروز برای همه ما لازم است، این است که حتی الامکان کوشش کنیم در این که آرامش پیدا بشود."

"همه چیزها تابع این است که یک آرامشی باشد. ان شاء الله امیدوارم که آرامش پیدا بشود... همه ملت کمک کنند ... تا اینکه ان شاء الله این مسایل حل بشود."

"ما در سایه آرامش و وحدت می توانیم این کشور را به مقاصد عالییه اسلامی برسانیم و این مستضعفین را از آن ظلمهایی که در طول تاریخ به آنها شده است، نجات دهیم."

"با تبادل افکار و اندیشه های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط"

و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد ..."

"شماها کوشش کنید که مسایل را روی موازین عمل بکنید. شما کوشش کنید که آرامش محفوظ باشد و روی موازین پیش برود ... و اما اگر بنا باشد که روی موازین نباشد ... این کم کم می‌رسد به هرج و مرج و کم کم به زد و خورد و کم کم به کشت و کشتار و یک شهری را، یک مملکتی را ناآرام می‌کند، وقتی ناآرام کرد دیگر نمی‌شود کارهای اصلاحی را کرد." <

۴-۱-۱. حاکمیت قانون

از اهداف مهم توسعه سیاسی، باید حاکمیت قانون باشد به گونه‌ای که همه مردم از نخبگان و فرهیختگان و کارگزاران نظام تا افراد عادی جامعه ملزم به رعایت قانون بوده و به آن احترام بگذارند. این قانون هم می‌تواند قوانین دینی باشد که برای سعادت بشریت تشریح شده و هم آنچه که در قانون اساسی کشور آمده و یا از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد.

"ما می‌خواهیم یک حکومتی داشته باشیم که این حکومت قانون را ملاحظه بکند، حکومت قانونی باشد، آن حکومتی که تمام قوانین بشری را، تمام قوانین عالمی را زیر پا بگذارد و هر جوری دلش بخواهد با یک ملتی عمل بکند، ما با او مخالفت داریم، ما می‌خواهیم یک حکومتی باشد مثل حکومت اسلام که غیر از قانون هیچ چیز"

حکومت نکند، هیچ. قانون فقط حکومت بکند... آن هم قانون عدل، آن هم قانون صحیح، آن هم قانونی که برای رشد بشر است برای صلاح بشر است." <
"در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند، اینها با اسلام مخالفت می‌کنند. کسانی که با مصوبات مجلس بعد از اینکه شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می‌کنند، اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می‌کنند... قانون برای نفع ملت است، برای نفع جامعه است. برای نفع بعضی اشخاص و بعضی گروهها نیست. قانون توجه به تمام جامعه کرده است." <

"اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلافات از راه قانون‌شکنی‌ها پیش می‌آید. اگر قانون حکومت کند در یک کشوری چنانچه از صدر عالم تاکنون تمام انبیاء برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام... تمام برای قانون خاضع بوده‌اند، تسلیم قانون بوده‌اند ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم... و به قانون هم عمل کنیم و هم خاضع باشیم در مقابل قانون، قانون برای همه است... و برای تهذیب همه ملت است و برای آرامش خاطر همه ملت است و برای مصالح همه ملت است." <

۵-۴-۱-۱. نظارت و مشارکت مردم

در دیدگاه امام، فرآیند توسعه باید هرچه بیشتر به تفاهم میان دولت و ملت منجر شود و اتکای دولت به مردم بیشتر گردد و به حفظ مردم و حضور آنها در جامعه بها داده شود. از اهداف توسعه باید مشارکت مردم در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد و مردم خودشان سرنوشت خود را تعیین کنند. همچنین توسعه سیاسی باید زمینه هرچه بیشتر نظارت مردم را در امور حکومت فراهم نماید و این مشارکت و نظارت مردم را از طریق استقرار مکانیزمهای لازم نهادینه نمایند. اگر توسعه به رانده شدن مردم از متن به حاشیه جامعه بدل گردید و زمینه‌های مشارکت و نظارت آنها را در امور سیاسی و اجتماعی کاست و به جدایی مردم از دولت و عدم جلب رضایت آنها منجر گردید چنین توسعه‌ای را امام مورد نقد و نکوهش قرار می‌دهد:

"بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کار کرد و پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند... پشتیبانی این است که همکاری کنند." <

"باید همه زنها و همه مردها در مسایل اجتماعی، در مسایل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند. اظهار نظر بکنند. ملت باید الان همه‌شان ناظر امور باشند. اظهار نظر بکنند. در مسایل سیاسی، در مسایل اجتماعی، در مسایلی که عمل می‌کند دولت..." <

"آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان،

خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد." <

"مملکت را باید خود ملت اداره کند."

"اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. مانع آرای ملت

هستیم. ملت ماهرطور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می کنیم."

۱-۱-۴-۶. استقلال ملی و همه جانبه

استقلال یکی از شعارهای اصولی و مهم انقلاب اسلامی و از اهداف بلند امام خمینی بود که برای تحقق آن، همه سختی‌ها و مصائب را متحمل شدند و مردم را نیز به تحمل این راه دعوت کردند. زیرا وابستگی را موجب ذلت و سرافکنندگی مردم می‌دانستند و در بیان اهداف گوناگون، مردم را به تلاش و کوشش تا رفع تمام وابستگی‌ها و استقلال ملی تشویق نموده‌اند. از این رو یکی از اهداف مهم برنامه توسعه در کشور باید تحقق استقلال واقعی و حفظ و بقای آن باشد.

"ما این همه جوان دادیم ... که به مقصد برسیم. برای مقصد بود و آن مقصد

همان بود که ملت ما فریاد کشیدند و آن را خواستند: استقلال، آزادی، جمهوری

اسلامی." <

"بنیاد دیگر اسلام، اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح کردند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد." <"... از آن طرف، باز یک اصل دیگری هست که باز از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند. این اصولی که از امور سیاسی است که قرآن کریم طرح کرده است و مسلمین را به آن دعوت کرده است." <

"سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم." <

"روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است." <

"ما الان در همه چیز به گمان همه یک نحو وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. افکار جوانهای ما، پیرمردهای ما، تحصیل کرده‌های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار وابسته به غرب است ... این وابستگی سرمنشأ همه وابستگی‌هاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه اینها هست." <

"اگر مملکت بخواهد یک مملکت مستقل برای خودتان باشد، باید این تحولات حاصل بشود، یک فرهنگ استعماری برگردد به یک فرهنگ استقلال، مستقل. همه چیز باید عوض بشود، مغزهای استعماری برگردد به یک مغزهای مستقل، تا این نشود، ما نمی‌توانیم به آن پیروزی نهایی برسیم." <

"... این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست ... تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود، رشد حقیقی پیدا نمی‌شود و شما نمی‌توانید مستقل بشوید ...">

"جمهوری اسلامی بنا دارد بر اینکه استقلال خودش را حفظ کند و دست دیگران را و دست جهانخوران را و آنهایی که وابسته با آنهاست، از کشور خودش قطع کند و آرزو دارد که تمام کشورهای اسلامی ... آنها هم از این خواب گران برخیزند." <

"قدمهای بعد کوشش در اینکه از همه جهات مستقل باشید و وابسته نباشید." <

۷-۴-۱-۱. وحدت نیروهای درون نظام و اتحاد امت اسلامی (تشکیل امت واحد

ی اسلامی) ()

"اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می خواهند سلطه بر این دولتهای اسلامی و مراکز اسلام پیدا نکنند نتوانند به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند."

"یک تکلیف الهی است برای همه که دعوت به وحدت بکنند، دعوت به اجتماع بکنند ... شما همه اهل یک ملت هستید، اهل یک اسلام هستید، همه در پناه قرآن هستید، زیر پرچم اسلام هستید، با هم هماهنگ باشید."

"اساس پیشرفت شما ملت عزیز، تعهد به اسلام و وحدت کلمه است. تعهد به اسلام بدون اینکه با هم اجتماع نکنید در مسایل، بی فایده است ... باید تعهد خودتان را به اسلام هر روز محکمتر کنید و کوشش خودتان را برای وحدت همه قشرها فعالتر کنید ... اسلام از شما وحدت می خواهد، اسلام از شما اتحاد می خواهد، اعتصام به حبل الله می خواهد ..."

"بر همه ما اقشار ملت در هر مقامی که هستیم واجب است، واجب الهی است که با هم پیوسته باشیم و با هم یکدست و یکدل و یک جهت برای ساختن ایران خراب."

"کفران نعمت، کارشکنی و تضعیف یکدیگر موجب انحطاط و سقوط می شود."
"بین خودتان برادر باشید، حفظ کنید این برادری را ... اگر خدای نخواستہ خللی حاصل بشود در این برادری ... هر جا باشد، چه بین روحانیون، چه بین مردم، چه بین

جناح‌هایی که هستند، اگر خدای نخواستہ یک وقتی یک خللی واقع بشود شکست همراه اوست ... تکلیف است برای همه ما که ما این جمهوری که به اینجا رسیده است را تا آخر حفظ کنیم." <

۸-۴-۱-۱. اخوت کارگزاران و مردم

در نظام اسلامی مورد نظر امام، مردم ولی نعمت و صاحبان اصلی قدرت می‌باشند و کارگزاران و دولت، خدمتگزار و خادم آنان به حساب می‌آیند. در این دیدگاه، دولت قدرت مسلط و حکومت‌گر بر مردم نیست، بلکه قدرت خود را از مردم گرفته و باید در خدمت آنها باشند. این مسأله به کرات در سخنان امام مطرح شده و توسعه سیاسی باید این اصل را به طور عینی در جامعه محقق سازد. پیوند مردم با دولت مستحکم‌تر و اخوت و همدلی و مشارکت و همراهی آنان هرچه بیشتر افزون گردد.

"آن چیزی که اسباب ضعف دولت و جدایی مردم از آن دولت هستند آن عبارت از کیفیت، کیفیت عمل همه دستگاہ‌هاست." <

"هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید. مردم احساس کنند که اینها دوستهای آنها نیستند ... توجه به این معنا باشد که باید اینها در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما

خدمتگزاریم، حالی کنند لفظاً، حالی کنند عملاً... تمام استانداردها بنابراین بگذارند که کارهای خودشان را خوب انجام بدهند، در خدمت مردم باشند، حالی کنند به مردم که حکومت اسلامی، حکومت خدمت است نه حکومت." <

"این بنیان باید همیشه دنبال استحکامش باشید و این استحکام را هر کدام شما در محل تان عهده‌دارش هستید، یعنی یک تکلیف شرعی وجدانی است که شما نگذارید در هر جایی که هستید این کسانی که در زیر نظر شما و زیر حکومت شما هست به مردم بدسلوکی کنند، مردم را بپذیرید برای خودتان، بروید تو مردم، جدا نشوید از مردم." <

"باید اعمال و رفتار شما با مردم خوب باشد. مردم را از خودتان بدانید و خودتان را از مردم بدانید... این جدایی‌ها اسباب این می‌شود که تزلزل پیدا بشود. و هرچه با هم مجتمع‌تر باشید طمأنینه بیشتر حاصل می‌شود و به مقصود زودتر می‌رسید." <

"شما باید... به مردم حالی کنید که ما برای خدمت آمدیم، ادارات برای خدمت آمدند..." <

"اینجا آرای ملت، حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگانها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد." <

۹-۴-۱-۱. آزادی

آزادی نیز از شعارهای محوری انقلاب اسلامی بوده و توسعه می‌بایست به تقویت هرچه بیشتر آن در جامعه با حفظ حدود آن پردازد و با به کارگیری ابزارهای لازم برای قانونمند شدن آن در جامعه، از حاکمیت استبداد و خودکامگی جلوگیری نماید. فرآیند توسعه نباید آزادی‌های مشروع و قانونی مردم را سلب نماید، بلکه شرایط بهینه را برای تحقق آزادی سالم منطبق بر موازین اسلامی فراهم نماید.

"آزادی یک مسأله‌ای نیست که تعریف داشته باشد، مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید ... آزادی یک چیز واضحی است." <

"در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود

ولکن هیچ فرد و یا گروه، وابسته به قدرتهای خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم."

"در مملکت ما آزادی اندیشه هست. آزادی قلم هست، آزادی بیان هست ولی

آزادی توطئه و آزادی فساد در کار نیست."

"اما طرز حکومتی که ما پیشنهاد می‌کنیم، حکومت جمهوری اسلامی است و

اساسش بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاههای دولتی است." <

"ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً

پشتیبانی می‌نماییم." <

"آزادی یک نعمت بزرگ الهی است." < "اینها دارند حقوق اولیه بشریت را - دارند - مطالبه می کنند. حق اولیه بشر است که من می خواهم آزاد باشم، من می خواهم حرفم آزاد باشد." >

"در اسلام اختناق نیست، در اسلام آزادی است برای همه طبقات، برای زن، برای مرد، برای سفید، برای سیاه، برای همه." <

۵-۱-۱. توسعه اقتصادی

در تعریفی نظری از توسعه در بعد اقتصادی می توان گفت که "توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن تولید ناخالص ملی افزایش می یابد و فقر، نابرابری اقتصادی و بیکاری کاهش پیدا می کند و رفاه همگانی نسبی به وجود می آید. و این امر از طریق افزایش سرمایه گذاری و تغییر و تحول در مبانی علمی - فنی تولید حاصل می شود." <

امام خمینی (ره) توسعه اقتصادی را به عنوان مجموعه شیوه ها، روشها و مکانیزمهای علمی - عقلانی ارتقای سطح معیشت جامعه می پذیرد اما بیش از آنکه به مسایلی که در حوزه علم اقتصاد توسعه قرار دارد پرداخته باشد به هدفهای غایی کنش اقتصادی مانند عدالت اجتماعی، ابعاد معنوی و هدفهای فرهنگی نظیر خودباوری، اعتماد به نفس، توجه به دنیا در ظل توجه به آخرت ... توجه نموده است.

تأکیدهای امام در بیانات و سخنان خود بر برخی شاخصهای مهمی که در حوزه اقتصاد قرار دارد نشانگر آن است که ایشان به اقتصاد به عنوان حوزه عملی و عرفی که معیشت و زندگانی مادی مردمان را تأمین می‌کند به دیده اهمیت نگریسته است. شاخصهایی نظیر اهمیت کشاورزی، ارزش کار و کارگر، رفاه عمومی، فقرزدایی و محرومی تزدایی خودکفایی در صنعت و ...

از این رو توسعه اقتصادی به عنوان فرآیندی که طی آن در سطح زندگی مادی مردم تحول مثبت پدید می‌آید، مورد توجه امام بوده و به آن بهای زیادی داده است. با این حال دغدغه عمده ایشان این بوده است که توسعه اقتصادی به دنیاگرایی افراطی، وابستگی به بیگانگان، طبقاتی شدن جامعه، نادیده گرفتن عدالت اجتماعی و فراموش شدن اهداف متعالی انسان منجر نگردد.

محورهای مهم در اهداف توسعه اقتصادی از دیدگاه امام را می‌توان در تحقق

اصول زیر برشمرد:

۱- عدالت اجتماعی

۲- خودکفایی

۳- قطع وابستگی

۴- استقلال (اقتصادی)

www.kandoo.cn.com

۵- کار و تولید (و ارزش بودن آن).

۶- بازسازی و سازندگی (نوسازی) کشور

۷- بهره‌برداری صحیح از طبیعت

۸- فقرزدایی و محرومیت‌زدایی

۹- اصلاح جامعه و رواج خیر عمومی

۱۰- تعاون و مشارکت مردمی

۱۱- کارآمدی نیروی انسانی (تبحر و تخصص)

در زمینه اداری نیز توسعه باید نظام مدیریت و سازمانهای اداری را متحول نماید (تحول دیوان‌سالاری).

برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی، امام خمینی به شاخصهایی که عوامل توسعه محسوب می‌شوند نیز اشاره نموده و به کرات آنها را تذکر داده است. از جمله تشویق و ترغیب روحیه علمی، فراگیری علم و تخصص و رشد صنعت، برنامه‌ریزی،

موقف شناسایی، به

کارگیری نیروهای کیفی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، خودباوری و اعتماد به نفس،

کار و تلاش و عبادت دانستن آن، صبر و استقامت، همگرایی، اجتماع و اتفاق کلمه،

عزت و اعتلای کشور، قطع دست بیگانگان، مشارکت مردم، صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری

مشروع، نظارت و

هدایت صحیح دولت، امنیت و ثبات، اولویت کشاورزی، تشویق صادرات غیر نفتی، منع اسراف و تجمل‌گرایی، مبارزه با رفاه‌زدگی و خوی اشرافی‌گری، عدم دنیاگرایی در عین توجه به امور دنیایی معقول و

در این محور به ذکر پاره‌ای از سخنان امام در باره اهداف توسعه اقتصادی بسنده می‌شود:

"ما خواستار یک اقتصاد سالم و غیر وابسته هستیم ... هرگز اجازه نمی‌دهیم تا هستی ما را غارت کنند. ما در تمام زمینه‌های اقتصادی یک انقلاب واقعی خواهیم کرد. امر کشاورزی در حکومت ما از اولویت خاصی برخوردار است ... در زمینه صنعت با ایجاد صنایع مادر از صنایع مونتاژ جلوگیری به عمل می‌آوریم ... اقتصاد ما یک اقتصاد مستقل و سالم و ملی است، بر اساس تأمین اساسی‌ترین نیازهای مردم محروم و ستمدیده ایران، نه فقط یک اقتصاد مصرفی." <

"... اوضاع اقتصادی عوض خواهد شد و یک اقتصاد صحیح و سالم ما عرضه می‌کنیم و الان اینها اقتصاد ما را ورشکست کرده و از بین برده‌اند. اینها خرج‌هایی کرده‌اند که خلاف مصلحت بوده است. دزدی‌هایی کرده‌اند که خیانت بوده است و برای حفظ خود به اشخاصی ول‌های بسیار گزاف داده است و ما تمام اینها را از بین می‌بریم و اطمینان داریم که دیگر اقتصاد عقب مانده نخواهیم داشت و به نیازهای مردم محروممان جواب مثبت خواهیم داد." <

"ما باید خودکفا بشویم در همه چیز، من جمله در قضیه کشاورزی، ایران مملکتی است که کشاورزی آن باید کشاورزی غنی‌ای باشد." <

"اگر شما بخواهید استقلال پیدا کنید و آزادی حقیقی پیدا کنید، باید کاری کنید که در همه چیز خودکفا باشید." <

"ما امروز اگر بخواهیم با این قدرت بزرگ مواجه باشیم و در این میدان شکست نخوریم احتیاج به چند امر داریم، یکی اینکه ما اقتصاد خودمان را طوری کنیم که خودکفا باشیم که اولش قضیه زراعت است ... شما می‌دانید که اگر یک مملکتی در اقتصاد، خصوصاً این رشته اقتصاد که نان مردم است، در این احتیاج به خارج پیدا نکند ... این وابستگی اقتصادی آن هم در این رشته موجب این می‌شود که ملت ایران، مملکت ایران تسلیم بشود به دیگران ..."

"اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب این می‌شود که وابستگی سیاسی هم پیدا کنیم و وابستگی نظامی هم حتی پیدا کنیم. مملکتمان باز برمی‌گردد به آن حالی که سابق بود. ما حالا می‌خواهیم مملکت مال خودمان باشد و حالا مملکت مال خود مردم است." <

"مملکت شما احتیاج به کار دارد، مملکت خرابی است که محتاج به این است که ساخته بشود و ساختن مملکت به دست شماهاست. هر کس در هر جا هست اشتغال به کار پیدا کند و کار را خوب انجام بدهد ... کاری کنید که خودکفا بشوید." <

"اگر بخواهید یک ملت قوی و آزاد باشید، از تشریفات یک قدری بکاهید." <

"مسأله برنامه از مهمات یک کشور است. اگر چنانچه بدون برنامه، یک کشوری

بخواهد اداره بشود، نمی شود اداره بشود، باید برنامه باشد. برنامه ریزی ها را باید با کمال

دقت اشخاصی که تخصص دارند، اشخاصی که توجه به مسایل سیاسی و مسایل

اجتماعی و مسایل اسلامی دارند، اینها باید با کمال دقت بررسی کنند و متحداً با هم

برنامه ریزی کنند و برای کشور راه برنامه ریزی، راهی باز می کند برای پیشبرد مقاصد

کشور." <

"امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست تقویت گردد. هر کس

هر جور می تواند باید تقویت بکند به طوری که ان شاء الله ما از این گرفتاری خارج

بشویم." <

"موقع شناسی یکی از اموری است که در رشد هر جامعه ای دخالت زیاد دارد." <

"اکنون کم کاری حرام است." < " ... این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان

اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام،

طرحها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه ها را ارائه دهند و

جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند." <

"همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسؤولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند." <

"اسلام ... اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان بارور می کند و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می نماید." <

"آنچه در سلطنت پهلوی و بخصوص در زمان شاه حاضر انجام شده است، جز از بین بردن اقتصاد و صنعت و کشاورزی چیزی نبوده است. تلاش آنها را نوسازی و تبدیل ایران به یک جامعه صنعتی نامیده اند. آنچه مورد نظر ماست یک نوسازی واقعی مبنی بر نیازهای اساسی اکثریت قاطع و فقیر مردم است. آنچه در زمینه اقتصادی مورد نظر ماست، جلوگیری از غارت منابع ملت ماست ... مهمتر آنکه منافع حاصله از فروش منابع ارضی باید به مصرف پیشرفتهای اقتصادی ما برسد و در این جهت ما قطعاً با جهان صنعتی در رابطه کامل خواهیم بود. ولی حق تصمیم گیری برای جهتی که اقتصاد ما انتخاب خواهد کرد، به عهده خود ما خواهد بود." <

"وابستگی اقتصادی مسأله ای است که وابستگی های (بسیاری را به دنبال می آورد.)"

باید کاری بکنیم که زاید بر خود کفا باشیم ... " <

"مردم را در همه امور شرکت بدهیم، دولت به تنهایی نمی تواند که این بار بزرگی که الان به دوش این ملت هست، بردارد ... شرکت بدهند مردم را در همه امور. همان طور که با شرکت مردم در این جنگ، شما بحمدالله پیروز شدید ... مردم را در امور شرکت بدهید، در تجارت شرکت بدهید، در همه امور شرکت بدهید. مردم را در فرهنگ _____ گ _____ شرکت بدهید،"

مدارسی که مردم می خواهند درست کنند کارشکنی نکنید برایشان." <

"برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعایر و ارزشهای کامل اسلامی و پرهیز از تنگ نظری ها و افراطگری ها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی واردات و صادرات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در _____ و

قیمت... و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده های مردم و جامعه." <

"شما باید برای این پابره‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و اینها را به حساب نمی‌آورند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند ... برای اینها کار کنید ... باید همه دست به دست هم بدهید که ان‌شاءالله برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود."

"ایران امکانات و ظرفیتهای مختلف و فراوانی برای رشد اقتصاد دارد که اگر نفت هم نباشد بتواند در رشد خود و از بین بردن فقر پیروز شود. از قبیل معادن مختلف که در صنایع اهمیت زیادی دارد و همچنین امکانات کشاورزی و دامداری و مهمتر از همه وجود استعدادهای سرشار و خلاق انسانی."

"ما برای صنعتی شدن کشور تلاش می‌کنیم و لکن نه صنعت مونتاژ که هم کشور را هرچه بیشتر به اجانب وابسته کرده است و هم اکثریت فقیر و محروم را در خدمت مشتی ثروتمندوز متجاوز قرار داده است."

"مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعدد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند."

"مردم باید تصمیم خود را بگیرند، یا رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال." <

"به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروتهای عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها بخریزید که این خود عبادتی ارزشمند است." <

"... به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند." <

دانشگاه فرزندی مشتاق
نتیجه ۱-۲

در دیدگاه امام خمینی(ره) توسعه متوازن در تمامی شؤون سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی جامعه مورد تأیید و تأکید قرار گرفته و این فرآیند را برای تعالی جامعه و بستر سعادت و رشد مردم ضروری می‌داند. ایشان بیش از آنکه به مفهوم رایج توسعه نظر داشته باشد به هدفهای عمده‌ای که می‌بایست برآورده سازد توجه دارد. در اندیشه امام، توسعه با آنکه اصول، مبانی و ملزومات خاص خود را دارد، می‌بایست برآورنده اهدافی بلند و متعالی باشد که در رأس همه، خداواری و حاکمیت اللّٰه در جامعه است. توسعه باید در مجموع به استحکام پایه‌های دین، تقویت مبانی اسلام، استقرار حکومت اسلامی، تربیت و هدایت و رشد معنوی انسان، حاکمیت قانون، استقلال و خودکفایی و سربلندی کشور، قطع وابستگی و رهایی از سلطه استعمارگران، ارزش و عزت و کرامت مردم، علم و خلاقیت و فن‌آوری، مشارکت مردمی و ارتباط هر چه بیشتر دولت و ملت، کار و تولید، عدالت اجتماعی، فقرزدایی و رفاه عمومی منتهی گردد و فوق همه در هدف غایی خود رضایت خداوند را برآورده سازد.

دانشگاه فرزندی مشتاق

www.kandoo.cn.com

۳-۱ فهرست منابع و ماخذ:

- (۱) پیشگامان توسعه، ترجمه ی علی اصغر هدایتی و علی یاسری، انتشارات سمت
- (۲) جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی جامعه شناسی، ترجمه منوچهر
مناجیان
- (۳) نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی، محمدحسن حسینی
- (۴) مقاله " روش شناسی مردم، پایه نظری دیدگاه نوین توسعه"، مجله فرهنگ
توسعه، افروغ، عماد
- (۵) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه
- (۶) کلمات قصار (پندها و حکمتها)، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی
- (۷) انتخابات و مجلس در کلام و پیام امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

دانشگاه فرزندی مستقیم